

## چکیده

این مقاله در صدد بررسی روش تاریخنگاری دو تن از مورخان بزرگ جهان اسلام می‌باشد که در تاریخ عمومی فصل جدیدی از تاریخنگاری را گشودند و موجب تحول بزرگی در علم تاریخ شدند. ۱- ابوجعفر محمدبن جریر طبری نویسنده کتاب «تاریخ الرسل والملوک» که لقب «التاریخ الکبیر» را به خود اختصاص داده است. تاریخ طبری مهمترین تاریخنامه روایی است که مشتمل بر تاریخ جهان و اسلام تا آغاز قرن چهارم هجری می‌باشد. طبری سبک جدیدی به نام تدوین تاریخ بر اساس علم حدیث را پایه‌گذاری کرد. راه طبری در تاریخ راه محدثین در نقل حدیث است. طبری در روایت تاریخ با طرق ممکنه که در علم حدیث معمول است، نقل قول کرده است. در رجوع به تاریخ طبری باید احتیاط کرد چون طبری اسناد را کاملاً ذکر کرده ولیکن سندها را بررسی ننموده است و لذا از اشخاص ضعیف هم در تاریخ طبری حدیث نقل شده که خود محقق باید به بررسی آنها پردازد. ۲- عزالدین ابوالحسن علی بن محمد معروف به «ابن اثیر» نویسنده کتاب «الکامل فی التاریخ». تاریخ ابن اثیر یکی از مشهورترین و رایج‌ترین تاریخنامه‌های عمومی است که بخش اعظم آن در تاریخ اسلام از آغاز تا سال ۶۲۸ هـ ق. می‌باشد. هدف ابن اثیر از تألیف این کتاب، تدوین تاریخی جامع درباره اخبار و احوال بشر، بویژه تاریخ اسلام بوده تا پژوهشگران از مراجعه به کتابهای متعدد بی‌نیاز شوند. تاریخ الکامل در ذکر تاریخ

## روش تاریخ نگاری

## ابن اثیر و طبری

علی بن محمد بن جریر

محمد بن جریر طبری

شمار می‌رود. به تعبیر دیگر سیره پیامبر مدخل واقعی پژوهش تاریخ در اسلام است.<sup>۱</sup>

در تاریخ‌نگاری اسلامی روشها و شیوه‌های مختلفی مانند: روش روایی، روش ترکیبی و روش تحلیلی، وجود دارد و هر یک از مورخان صاحب شیوه خاصی می‌باشند، همچنین تاریخ‌نگاری انواع مختلفی دارد که مهمترین انواع تاریخ‌نگاری عبارتند از: ۱- سیر و مغازی؛ مانند «کتاب المبتدأ و المبعث و المغازی» از محمد بن اسحاق بن یسار (۸۵-۱۵۱ هـ ق) معروف به سیره ابن اسحاق که متن تهذیب شده آن به دست ابن هشام به نام، «سیره رسول الله» شهرت بیار یافته است و کتاب «المغازی» از محمد بن واحد معروف به واحدی (۲۰۷ هـ) و سایر کتب سیره ۲- مقاتل و فتن و حروب؛ مانند «مقتل الحسین» که به لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف اخباری مشهور سده دوم نسبت داده شده است و «وقعه صفین» نوشته نصر بن مزاحم مقری (۲۱۲ هـ) و «مقاتل الطالین» نوشته علی بن حسین معروف به ابوالفرج اصفهانی ۳- خراج و فتوح؛ مانند «کتاب الخراج» از قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم (۱۸۲ هـ) و «فتوح البلدان» از احمد بن یحیی بلادزی (۲۷۹ هـ) و «الفتوح» نوشته ابو محمد بن اعثم کوفی (نیمه اول قرن چهارم هجری) ۴- تواریخ دودمانی و تک‌نگاری درباره

اسلام برحسب سنوات به شیوه سالشمار تنظیم شده ولی ابن اثیر مطالب را به گونه‌ای بیان کرده که نقص مهم این شیوه تاریخ‌نگاری را به حداقل رسانیده است. منبع اصلی ابن اثیر تا اواخر قرن سوم تاریخ طبری بوده، اما روش او را در ذکر روایات مختلف درباره یک حادثه رعایت نکرده، بلکه کاملترین روایات را انتخاب کرده یا روایتی را که به نظر او درست‌تر بوده است. در پایان، مقاله به مقایسه روش تاریخ‌نگاری طبری و ابن اثیر می‌پردازد که دارای حائز اهمیت می‌باشد.

تاریخ‌نگاری یکی از ارکان و مظاهر فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود و در بین شاخه‌های مختلف علوم و فنون از جایگاه ویژه و انکارناپذیر برخوردار می‌باشد؛ زیرا بدون بررسی ابعاد و انواع هنرها و دانشهایی که در تمدن‌های مختلف ظهور کرده و رشد یافته‌اند، شناخت وجوه مختلف تمدنها و فرهنگها ممکن نیست. از این رو شناختن مورخان بزرگ اسلامی، دیدگاهها، شیوه‌های تاریخ‌نگاری، آثار و منابع تاریخی، برای پژوهشگران تاریخی لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا بتوانند به درک صحیح و درست از تاریخ اسلام نائل گردند و با اعتماد و اطمینان بیشتر به نقد و بررسی اخبار و منابع تاریخ بپردازند.

همچنانکه تاریخ اسلام با وحی آغاز شد، تاریخ‌نگاری اسلامی هم با ضبط و تدوین سیره پیامبر اسلام (ص) که ارتباط عمیق و استواری با آن دارد شروع گردید و از مهمترین عوامل تاریخ‌نگاری در اسلام به

۱- زنگار، سهیل، مقدمه برالمغازی زهری، ص ۱۹.

این مقاله به روش تاریخنگاری دو تن از مورخان بزرگ اسلامی که در تاریخ عمومی مرحله جدیدی از تاریخنگاری را آغاز کرده و تحول بزرگی را در تاریخ بوجود آوردند، می‌پردازد ۱- محمد بن جریر طبری نویسنده «تاریخ الرسل و الملوک» که برخی‌ها لقب «التاریخ الکبیر»<sup>۱</sup> را به او داده‌اند. ابن خزیمه می‌گوید: «بر پهنه زمین، دانشوری دانتر از ابن جریر نمی‌شناسم». کتاب طبری مهمترین تاریخنامه روایی و سالشمارانه اسلامی که مشتمل بر تاریخ جهان و اسلام تا آغاز قرن چهارم هجری می‌باشد.

۲- عزالدین ابوالحسن علی بن محمد معروف به ابن الاثیر نویسنده کتاب الکامل فی التاریخ. ابن الاثیر از پیش کسوتان در حفظ حدیث، معرفت حدیث و مسائل مربوط به حدیث بود. ایشان در واقع نگهبان و حافظ تواریخ مقدم و متأخر می‌باشند.<sup>۲</sup> برخی از مورخین لقب علامه<sup>۳</sup> و استاد<sup>۴</sup> به او داده‌اند. ایشان از تاریخ نگاری اسلامی به استقلال و دقت در ثبت و درک کردن تازه‌های تاریخ شهرت دارد و تاریخ او یکی از مشهورترین و رایج‌ترین تاریخنامه‌های عمومی و یکی از آثار تاریخی گرانبهای اسلام و

فرمانروایان، مانند تاریخ بیهقی از ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۴۷۰ هـ) و ... ۵- تواریخ محلی؛ مانند «اخبار مکه» نوشته محمد بن عبدالله بن احمد الارزقی (۲۵۰ هـ) و تاریخ بخارا و ... ۶- انساب؛ مانند «انساب الاشراف» نوشته احمد بن یحیی بلادزی (۲۷۹ هـ) و ... ۷- طبقات؛ مانند الطبقات الکبری نوشته محمد بن سعد (۲۳۰ هـ) ۸- وزارت و دیوانسالاری؛ مانند «کتاب الوزراء و الکتاب» نوشته محمد بن عبدوس الجهشیاری و ... ۹- فرهنگ‌نامه‌های تاریخی؛ مانند معجم الادباء یا قوت، و فیات الاعیان ابن خلکان، اسد الغابه ابن اثیر ۱۰- تواریخ عمومی؛ مانند الف: «الاخبار الطوال» نوشته احمد بن داوود دینوری (۲۸۲ هـ) ب: «تاریخ یعقوبی» نوشته احمد بن یعقوب معروف به یعقوبی (۲۸۴ هـ) ج: «تاریخ الرسل و الملوک» نوشته محمد بن جریر طبری (۳۱۰ هـ) د: «تجار الامم و تعاقب الهمم» نوشته ابوعلی احمد بن محمد مسکویه (۴۲۱ هـ) هـ: «الکامل فی التاریخ» اثر عزالدین ابوالحسن علی بن محمد معروف به ابن الاثیر (۶۳۰ هـ) و «جامع التواریخ» از خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸ هـ) ز: «البدایه و النهایه» نوشته اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴ هـ) ح: «العبر و دیوان المبتداء و الخیر فی تاریخ العرب و العجم و البیریر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر» نوشته عبدالرحمان بن محمد بن خلدون (۸۰۸ هـ).

۱- ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۲۲

۲- و فیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۴۸

۳- البدایه و النهایه، ج ۱۳، ص ۱۴۹

۴- المنتظم الجوزی، ج ۱۸، ص ۳۲

رازی و «مثنی بن ابراهیم ابلسی» بود. طبری حدیث را به روایت از آنان در ری نگاشت و کتاب «المبتدأ» را از «احمد بن حماد دولابی» کتابت نمود و «مغازی» محمد بن اسحاق را از «سلمه بن فضل» فرا گرفت و آن را اساس و یکی از مصادر کتاب خود قرار داد. آنگاه به «محمد بن حمید رازی» پیوست.<sup>۳</sup>

### مسافرت طبری به بغداد، کوفه و مصر:

طبری برای فراگیری علم در یک مکان خاص توقف طولانی مدت نمی کرد و به شهرهای مختلف مسافرت می نمود. در محافل علمی از احمد بن حنبل و مراتب علمی او سخن می رفت و همین موضوع باعث شد طبری عازم بغداد شود، لیکن قبل از رسیدن به بغداد از مرگ احمد بن حنبل مطلع شد و از آنجا به «واسط» - که در نزدیکی بغداد بود - رفت تا از اساتید و مشایخی همچون: محمد بن موسی حرشی، عماد بن موسی القزاز (قزار)، محمد بن عبدالاعلی صنعانی، بشر بن مغاذ، و محمد بشار معروف به بندار، سماع حدیث کند. بعد از مدتی از «واسط» به سوی «کوفه» حرکت نمود و در آنجا نزد هناد بن سری و اسماعیل بن موسی به کتابت حدیث پرداخت.<sup>۴</sup> طبری دوباره به بغداد بازگشت و به تحقیق و پژوهش مشغول شد. طبری این

ایران از آغاز آفرینش تا سال ۶۲۸ هـ ق. می باشد.

### نگاهی به زندگینامه طبری

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر غالب طبری آملی<sup>۱</sup> (۲۲۴ یا ۲۲۵ - ۳۱۰ هـ ق) در آمل طبرستان چشم به جهان گشود. ایشان درباره دوران خرد سالگی خویش چنین می نویسد: «قرآن کریم را در سن هفت سالگی حفظ کرده. در هشت سالگی برای مردم نماز گزاردم. در نه سالگی حدیث می نگاشتم، و به خاطر خوابی که پدرم درباره من دیده بود، از دوران خرد سالی به تحصیل من اهتمام زیادی مبذول می داشت»<sup>۲</sup>. پدر طبری در آمل دارای زمین کشاورزی وسیعی بود و از اینکه فرزند باهوش خود را در آغاز جوانی برای تحصیل علم از خود دور سازد و راه را فراسوی او برای سفر علمی بگشاید، رنج عاطفی را بر خود هموار ساخت. طبری هنوز به دوازده سالگی نرسیده بود که از آمل به سوی ری و نواحی آن مسافرت کرد و از محضر اساتید این منطقه بهره های علمی دریافت نمود. ری نقطه آغاز سفرهای علمی طبری بود و او مسافرتی را در پیش گرفت که مرزهایی آن تا منتهای منطقه های شرق تا غرب کشورهای اسلامی را در بر می گرفت.

### طبری در ری: هدف طبری از سفر

به سوی ری، اخذ حدیث از «محمد بن حمید

<sup>۳</sup>- رک: تهذیب التهذیب، ۱۳۷/۹. تاریخ بغداد، ۲۵۹/۲. میزان الاعتدال، ۴۹/۳. تذکره الحفاظ، ۶۷/۲

<sup>۴</sup>- معجم الادباء، ۴۹/۱۸. مناهج فی التفسیر، ۲۰۲

<sup>۱</sup>- تاریخ بغداد، ص ۱۶۷، مقدمه تاریخ الامم و الملوک طبری ۵/۱

<sup>۲</sup>- معجم الادباء، ۴۸/۱۸

### تاریخ طبری: ابو جعفر محمد بن

جریر طبری از مورخان به نام دوران اسلامی است. تاریخ او از همان ابتدا مقبولیت عام پیدا کرد.<sup>۴</sup> چنین مقبولیتی مربوط به ویژگیهای کتاب، از حیث تفصیل و استناد و متعادل بودن آن، از نظر جامعه اهل سنت است. این مقبولیت سبب شد تا مورخان بعد از ایشان همچون: ابن مسکویه، ابن اثیر و ابن کثیر خلاصه‌ای از آن را در کتاب خود بیاورند.

طبری در آغاز کتاب، با اشاره به این که نقلها را مسند آورده، خواسته تا خود را به خاطر نقل مطالب نادرست تبرئه کند. چنین شیوه‌ای در عین حال که سبب شده حجم زیادی از نقلهای تاریخی محفوظ بماند به دلیل گزینش نادرست طبری از نقلها، به خصوص نقل از افراد دروغگویی چون سیف بن عمر، به حق مورد انکار برخی از محققان قرار گرفته است.<sup>۵</sup> تاریخ طبری گنجینه‌ای سرشار از آداب و رسوم اقوام و ملل نیز می‌باشد و از لحاظ بررسی اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در عهد اسلامی از منابع مهم و شایان مطالعه علاقه‌مندان به مسائل تحقیقی می‌تواند باشد.

### هدف طبری از نگارش تاریخ:

شاید بتوان گفت که غلبه جنبه‌های اعتقادی، محرک طبری در تدوین تاریخ

بار مکتب شافعی را به عنوان مذهب خویش برگزید و چندین سال بر اساس آن فتوی می‌داد. طبری تصمیم گرفت به مصر سفر کند و در مسیر سفر به مصر ایام نسبتاً طولانی در بیروت اقامت کرد و از اساتید و بزرگان آنجا بهره جست.<sup>۱</sup>

طبری سفر خود را تا «فسطاط» مصر دنبال کرد و در سال ۲۵۳ هـ. ق. به آنجا رسید. مدت اقامت طبری در مصر به طول انجامید. ایشان فقه شافعی را از ربیع بن سلیمان مرادی و اسماعیل بن ابراهیم مزنی و فرزندان عبدالحکم یعنی، محمد بن عبدالله و برادرش عبدالرحمن و فقه مالکی را از شاگردان عبدالله بن وهب فرا گرفت. ایشان دوباره به بغداد بازگشت و بعد از آن از بغداد بیرون نرفت.

طبری سرانجام بغداد را به عنوان آخرین موطن و اقامتگاه خویش برگزید و ترجیح داد فقط سرگرم تدریس و تألیف گردد و از هر کاری غیر از این دوری کند.<sup>۲</sup> عاقبت طبری در شامگاه روز یکشنبه دو روز مانده از شوال سال ۳۱۰ هـ. ق. از دنیا رفت و روز دوشنبه در خانه‌اش به خاک سپرده شد و بر جنازه او جمعیتی که شمار آنها را جز خدا نمی‌داند گرد آمدند و ماهها بر قبر او نماز می‌خواندند.<sup>۳</sup>

<sup>۴</sup> - ابن خلکان کتاب طبری را «اثبت و اصح» کتب می‌داند. (وفیات الاعیان، ج ۳ ص ۳۲۲)  
- جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، ص ۱۵۹

<sup>۱</sup> - مقدمه تاریخ الامم والملوک، ۸/۱  
<sup>۲</sup> - همان، ۹/۱. دایره المعارف فارسی ۱۶۱۵/۲.  
<sup>۳</sup> - تاریخ بغداد، ۱۶۶/۲. مقدمه تاریخ الامم والملوک ۱۰/۱

ادیان گوناگون از مسیحی، بودایی و زرتشتی و ... در برابر آن زانو زده‌اند و پدیده‌ای از آمیزش فرهنگ و تمدنهای قدیم با مبانی فرهنگ اسلامی بوجود آمده است که ظهور ظرفیتها و طریقه‌های جدید در ادب، حکمت، سیاست، مملکت داری، آداب، معیشت، فرهنگ، عمران و سایر مظاهر بیشتر معنوی و کمتر مادی زندگانی بشری را به همراه داشته است، و شکوفایی اندیشه‌ها و باروری استعدادها و ظهور توانایی‌های امت اسلامی را به ارمغان آورده است.<sup>۲</sup>

### روش تاریخ‌نگاری طبری:

کتاب و آثاری که از این مورخ برجای مانده، تأثیر عظیمی در تاریخ‌نگاری اسلامی برجای نهاد که بدون شک باید گفت: سبک جدیدی به نام تدوین تاریخ براساس علم حدیث پی‌ریزی شد و مکتب ثقه در سیر استقرایی بر پایه حویلیات پا در عرصه تاریخ‌نگاری اسلامی نهاد. نگارش تاریخ نزد طبری و تدوین روایات از راویان معتمد، بنای تاریخ طبری را بر سه اصل استوار می‌سازد ۱- وثوق ۲- امانت ۳- اتقان. طبری کار آن دسته از مورخین پیش از خود مانند یعقوبی، بلاذری، واقدی و ابن سعد را به کمال رساند و نیز زمینه را برای مورخین لاحق همانند مسعودی، ابن مسکویه، ابن اثیر و ابن خلدون آماده کرد و راه دشواری را

عمومی او بوده است. او در کتاب تاریخ خود به نام «تاریخ الرسل والملوک»<sup>۱</sup> یا «تاریخ الامم والملوک»<sup>۲</sup> پیوسته بر آن است، تا از شرع دفاع کند و با بدعت و ضلالت به نبرد پردازد. از این رواز حوادث و مطالبی که چهره روزگار مورد بررسی او را زشت و احياناً سیاه می‌سازد با احتیاط تام، صرف نظر می‌کند و درباره آنها سکوت می‌کند. مقایسه اجمالی مطالب تاریخ طبری با دنباله «عریب بن سعد قرطبی» بر تاریخ طبری که اخبار عباسیان را تا سال سیصد و بیستم و کشته شدن مقتدر و خلافت قاهر امتداد بخشیده و بسی بی‌پرده و آشکارتر سخن رانده است، صحت حکم فوق را تأیید می‌کند. هدف طبری از نگارش تاریخ، عرضه تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا زمان وی بوده است. از دیدگاه طبری، سیر وقایع و رویدادهای تاریخ جهان از مبدأ معینی آغاز شده و به وقایع زمان حیات او منتهی گردیده است. از نظر او تاریخ در حکم جریان واحدی است که در آن هر یکی از اقوام، نقش ویژه خویش را بازی کرده‌اند و عنایت الهی با ارسال رسل و انزال کتب و راهنمایی این دو، همه مردم را در رودخانه‌ای که نام آن تاریخ است به سوی مقصد معلوم که روز رستاخیز است، رهسپار می‌سازد. طبری تاریخ اسلام را از آن رو می‌نویسد که سراسر دنیای متمدن را فرا گرفته و فرهنگهای ایران، روم و پیروان

۲- مقدمه محمدبن ابوالفضل ابراهیم بر تاریخ طبری ج ۱، ص ۲۱.

۱- تاریخ بغداد، ۱۶۳/۲، کشف الظنون، ص ۲۹۷  
 ۲- معجم الادبا، ۶۸/۱۸

طی نمود.<sup>۱</sup> راهی که طبری در تاریخ نگاری و تدوین و تنظیم بنای عظیم تاریخ خود پیموده، همان راهی است که محدثین در نقل حدیث پیموده‌اند. طبری در روایت تاریخ از روایان با طرق ممکنه که در علم حدیث معمول است، نقل قول کرده است. سندها تا اتصال به راوی اصلی دنبال می‌گردد. همچنین در سراسر کتاب از کتبی که بدان استناد کرده، نقل می‌کند و با صراحت نام کتاب را ذکر می‌کند و گاهی از مؤلفین بدون نام تالیف یاد می‌کند. این کار اگر چه از جهتی میزان اعتماد را نسبت به تاریخ طبری بالا می‌برد و او را در حد یک مورخ ثقه قرار می‌دهد، اما مشکلی هم در کار طبری ایجاد می‌کرد.

تاریخ طبری، تاریخی عمومی و شامل بود، او در نقل حدیث و در بخش مربوط به تاریخ اسلام می‌توانست چنین کاری بکند، اما در اخبار پادشاهان ایران و روم و داستانهای تورات و اسراییلیات و افسانه‌های ساخته و پرداخته داستان پردازان و احادیثی که در خلقت و سیرت انبیاء آمده و از طرف محدثان نقد و رد شده بود، دست او بسته بود. پاسخ طبری به این اشکال را، باید در بینش تاریخی و مکتب او دید. طبری به حوادث تاریخ چون رشته‌ای می‌نگرد که از آغاز تا انجام باید بی‌کم و کاست و بدون دخالت و پیشداوری ذهن و عقل، سیر طبیعی و الهی خود را مطابق مشیت خداوند

دنبال کند. او خود تا آنجا که روش متبع امکان می‌داد، در نقل احوال و روایات نهایت دقت را به کار بسته است. اما اگر چیزی با عقل خواننده سازگار نیاید و یا در سلسله روایات روایتی یا قصه‌ای و یا سخنی مخدوش باشد این ذهن و فکر طبری نیست که مسئول است و باید جواب گوید، بلکه راوی داستان و حدیث و خبر باید پاسخ گوید. وی در مقدمه تاریخ بزرگ خود از این روش دفاع می‌کند و خود را معذور می‌داند: «آگاهی از حوادث اقوام گذشته و اخبار رویدادهای جاری برای کسانی که زمان آنها را درک نکرده یا خود ناظرشان نبوده‌اند، حاصل نمی‌شود مگر از راه اخبار مخبران و نقل ناقلان اینها. نباید استنتاج عقلی یا استنباط ذهنی را در آن دخالت دهند. اگر من در این کتاب خبری از برخی مراجع گذشته نقل کرده‌ام که خواننده منکر شود و یا شنونده را ناخوش آید به این سبب که نداند چگونه امکان دارد چنین خبری راست و درست باشد، باید بداند که این خبر از خود من نبوده بلکه از کسانی است که خبر را برای من نقل کرده‌اند و من آن را به همان شکل که به من رسیده در این کتاب آورده‌ام»<sup>۲</sup>.

روش طبری در نگارش تساریخ اعمال شیوه محدثان است یعنی، سند هر واقعه‌ای را می‌گوید تا به تسلسل به صاحب

<sup>۲</sup> - تاریخ طبری، ج ۱، ص ۷-۸ به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. فلسفه تاریخ ابن خلدون محسن مهدی، ترجمه مجید مسعودی، ص ۱۷۴.

<sup>۱</sup> - مقدمه محمد بن ابوالفضل ابراهیم بر تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۱.

واحدی و مدائنی ترجیح داده است و این در حالی است که «سیف» متهم به زندقه بوده و حتی خود طبری نظر مساعدی نسبت به وی نداشته است.<sup>۲</sup>

حضور سیف در تاریخ طبری از جنگهای رده آغاز شده و تا پایان جنگ جمل ادامه می‌یابد و بدین صورت طبری در حساسترین مقطع تاریخی که بخشی از تاریخ مذهبی برای همه فرقه‌هاست، تاریخ خود را با نقلهای کذب سیف بن عمر مشوه می‌کند. جلد نخست تاریخ طبری که تاریخ جهان از آفرینش تا مبعث است، مملو از اخبار اسرائیلی می‌باشد، همان طوری که در تفسیر طبری نیز اسرائیلیات فراوانی آمده است و بیشتر این اخبار از طریق وهب بن منبه نقل شده که بیش از دیگران در اواخر قرن نخست هجری این قبیل اخبار را میان مسلمین منتشر می‌کرد. رسول جعفریان درباره روش تاریخ نگاری طبری می‌نویسد: روایات طبری بطور عمدۀ در قالب حدیثی عرضه می‌شود. او ابتدا سند را آورده و پس از آن متن خبر را نقل می‌کند. و همچنین در نقل روایی، نقلهای مختلفی را از یک حادثه با اسناد مختلف می‌آورد. این شیوه فرصت لازم در اختیار محقق قرار می‌دهد تا دیدگاههای معارض را درباره یک حادثه بدست آورد و با توجه به روشهای علمی در اطراف آنها به تحقیق پردازد. او در تفسیر و تاریخ خود این شیوه روایی را دارد و جز در

اصلی برسد. در اغلب موارد از اظهار شخصی خودداری می‌ورزد و هرگاه مطالبی را از کتاب اقتباس کرده، نام کتاب را به صراحت می‌آورد و یا مطلب را به مؤلفان پیش از خود نسبت می‌دهد. هر چند با این کار راه را بر نقادان باز و فرصت را بر خرده گیران فراهم می‌سازد، اما نباید از یاد برد که در عرف مورخان آن ایام نقد رویدادها مطرح نبوده و چنین کاری برای مورخ از اولویت و اهمیت امروزی بر خوردار نبوده است. ایشان در مقدمه کتاب خویش می‌نویسد: «اعتماد من در آنچه ذکر نموده و به رشته تحریر درآورده‌ام، اخبار یا روایاتی است که بر راویان آن نسبت می‌دهم و جز در برخی از موارد از تطبیق آن با حجج عقلی و پژوهش‌های شخصی خود داری ورزیده‌ام: زیرا احاطه بر احوال گذشتگان و یا اخبار معاصران، جز از طریق نقل روایت مقدور نبوده و نیست و امکان تحقیق آنها به نیروی خرد و ملکه استنباط ممکن نیست.»<sup>۱</sup>

### دیدگاه دانشمندان درباره تاریخ طبری و روش تاریخ نگاری او:

جواد علی در این باره می‌نویسد: طبری در استفاده از مآخذ، اصول اهل حدیث را در نظر نگرفته و از چهره‌های ضعیف هم روایت کرده است. او روایات سیف بن عمر را از قضایای رده بر روایات

<sup>۲</sup> - موارد تاریخ طبری، بخش نخست، ص ۱۷۹-۱۸۲

<sup>۱</sup> - تاریخ طبری ص ۸ با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم



بالاترین ارزش تاریخ طبری از آن روست که از بسیاری از مکتوبات تاریخی رایج یا غیر رایج آن عصر را که در اختیار داشته استفاده کرده و امروزه جز آنچه طبری از آن کتابها برای ما نگاه داشته اثری برجای نمانده است. شاید یکی از بهترین آثار کتاب «مقتل‌الحسین (ع)» ابو مخنف بوده که بخش مهم آن تنها از طریق تاریخ طبری حفظ شده است. همین امر درباره آثار وهب بن منبه در زمینه اخبار انبیای سلف، آثار عییدبن شریه، اصمعی، شعبی و درباره تاریخ عرب و فرس پیش از اسلام و نیز نسخه اصل سیره ابن اسحاق در بخش مغازی نیز صادق است.

**موضع گیری طبری: موضع دینی**  
طبری در تاریخ نگاری و در گزینش اخبار، کاملاً آشکار است. او در مواردی از جمله اخباری که درباره قتل عثمان بوده با خودداری از نقل آن اخبار، موضع دینی خود را نشان داده است. آنچه از برخی نقلها و نیز تألیفات طبری در اواخر حیات او برمی آید، احتمال تغییر موضع دینی او را نشان می دهد. رسول جعفریان در کتاب «جغرافیای انسانی شیعه در جهان اسلام»<sup>۳</sup> گزارشاتی که احتمال شیعه بودن طبری را نشان می دهد، بررسی نموده است از جمله آنها کتاب «الولایه» اوست که در آن طرق حدیث غدیر را نوشته است.

موارد بسیار نادر، اظهار نظری از خود به دست نمی دهد. بر مؤلفان و محققان است که با توجه به سند نقلها، آنچه از مورخان کذاب نقل شده بر پای طبری نگذارند. در ضمن باید توجه داشته باشیم که اکتفای به سند در ارزیابی نقلها درست نیست؛ زیرا صادق بودن راوی دلیل بر درستی نقل او نیست چه بسا ماخذ آن شخص غلط بوده و یا خود تحت تأثیر آراء و عواطف خود، نقلی را شکل داده است.<sup>۱</sup>

دکتر صادق آئینه‌وند درباره روش طبری می نویسد: روش طبری در نگارش تاریخ بر این منوال بود که او برای تثبیت یک حادثه تاریخی، نقل قولهای متعدد را از روایان گوناگون می آورد و داوری را به خواننده می سپرد. گر چه در بعضی موارد با گفتن «الصحيح عندنا ذلك» تأیید خود را درباره پاره‌ای از منقولات ذکر کرده و یا گاهی طبری با ذکر جمله «أنا أشك فی ذلك» نظر تردید آمیز خود را اعلام داشته است. کار دیگر طبری مرتب کردن نوشته‌ها بر اساس سال وقوع حوادث است. این کار اگر چه پیش از طبری هم سابقه داشته و در میان تاریخ نگاران اسلامی کسانی دست به این کار زده‌اند ولی به سبب اشتها طبری و حجم زیاد مدونات تاریخی او این کار به او شناخته می شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، ص ۱۶۱-۱۶۲  
<sup>۲</sup> - آئینه‌وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۰.

الاثیر ابی الکرم، الشیبانی، الجزری. ابن اثیر در چهارم جمادی الاول در سال ۵۵۵ هـ. ق. در جزیره ابن عمر، در خانوادۀ معتبر و ثروتمند دیده به جهان گشود.<sup>۴</sup> پدر او محمد از سوی قطب الدین مودود زنگی فرمانروای موصل، متولی دیوان جزیره ابن عمر بود. بعد از مدتی ابن اثیر با پدر و دو برادر خویش به موصل هجرت کرد و در آنجا نزد ابوالفضل عبدالله بن احمد خطیب طوسی و سایر علماء به یادگیری حدیث پرداخت. دانش و چیره دستی عزالدین تنها منحصر به تاریخ نویسی و حفظ تواریخ متقدم و متأخر نبوده بلکه در حفظ و معرفت حدیث و آشنایی با علوم حدیث نیز استاد بود. از انساب عرب و روزگار ایشان و رویدادها و اخبارشان آگاهی داشت. ابن خلکان می نویسد: «در اواخر سال ۶۲۶ هجری برابر ۱۲۲۸ م. هنگامی که من به حلب رسیدم او در آنجا مهمان شهاب الدین طغرل، خادم اتابک ملک عزیز پسر ملک طاهر فرمانروای حلب بود، شهاب الدین به او توجه بسیار داشت و از او حمایت می کرد. من در آنجا به ملاقات او رفتم و او را مردی یافتم که در فضائل و نیکی سرشت و بسیاری تواضع به مرحله کمال رسیده بود. در طی سال ۶۲۷ هـ. ق. به دمشق سفر کرد، سپس در سال ۶۲۸ هـ. ق. به حلب بازگشت. در حلب مدتی کوتاه ماند، آنگاه به سوی موصل رهسپار

ابوبکر خوارزمی (۳۲۳-۳۸۲) که در منابع فراوانی به عنوان فرزند خواهر طبری مورخ، خوانده شده و کمترین تردیدی در این نسبت و تشیع او وجود ندارد، در شعری تشیع خود را به دائیهای خود که طبری یکی از آنهاست، نسبت داده است.<sup>۱</sup> آنچه مسلم است این است که: وی در سالهای پایانی عمر خود در بغداد، مورد طعن اصحاب حدیث و عثمانی مذهبها بوده و از بابت تألیف کتاب «الولایه» و نیز کتابی که در صحت طرق حدیث غدیر نوشته، سخت تحت فشار بوده است. یاقوت گزارش این آزار و اذیتها را در شرح حال وی در معجم الادباء آورده است.<sup>۲</sup>

در سالهای اخیر، برخی از نویسندگان اهل سنت، برای دور کردن طبری از این گرایش مختصر شیعی، گفته اند که وی با محمد بن محمد جریر بن رستم طبری شیعی خلط شده و برخی از مطالب آن به خطا به طبری معروف نسبت داده شده است، لیکن چنین خطایی در هر زمینه باشد، درباره کتاب «الولایه» صادق نیست؛ زیرا ذهبی آن کتاب را دیده و تلخیصی از آن را هم فراهم آورده است که موجود می باشد.<sup>۳</sup>

### شرح حال اجمالی ابن اثیر:

عزالدین، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد معروف به ابن

۱- معجم البلدان، ج ۱، ۵۷

۲- همان، ۴۳/۱۸

۳- منابع تاریخ اسلام، ص ۱۶۲

۴- فیصل السامر، ابن الاثیر، منشورات و زراه النفاذ والاسلام، ص ۱۱.

بررسی سایر کتب ابن اثیر صرف نظر کرده و پژوهش خویش را معطوف این کتاب می‌کنیم.

### توضیحی درباره «الکامل فی التاریخ» و روش نگارش آن:

«الکامل فی التاریخ» مشهورترین کتاب ابن اثیر است و مقام علمی و شهرت ایشان بخاطر تألیف همین کتاب می‌باشد. تاریخ الکامل یعنی، تاریخی که جامع اخبار و اطلاعات درباره زندگی و فرمانروایی ملوک خاور و باختر و سرزمین‌های میان این دو است. ابن اثیر این تاریخ را از نخستین روزگار آغاز کرده و تا پایان سال ۶۲۸ هـ ق. یعنی، تسا دو سال پس از درگذشت خویش ادامه داده است. مؤلف درباره علت نگارش این تاریخ چنین می‌نویسد: «من پیوسته دوستدار مطالعه کتابهای تاریخ بودم و به آگاهی از رویدادهای پنهان و آشکار تاریخی، علاقه داشتم. وقتی در آنها تأمل کردم، دیدم که مراد مرا بر نمی‌آورد. برخی از تاریخها مختصر بود و بسیاری از رویدادها را از قلم انداخته بود. با این وصف، در هیچ تاریخی از تمام رویدادهایی که به وقوع پیوسته و آنچه بوجود آمده شرحی موجود نیست و بسیاری از آنها به حوادث غیر مهم پرداخته بود که ترک آن شایسته تر بود. هر مورخی وقایع را تا زمان خود نگاشته و پس از او دیگری آمده و به آن پاورقی نوشته، و پیش آمدهای تازه‌ای را که پس از تاریخ او تا زمان وی رخ داده بر آن افزوده است.

گردید.»<sup>۱</sup> طبق نقل ابن خلکان تنها در سالهای آخر عمر خود در موصل خانه نشینی اختیار کرد و به دانش پژوهی و کتاب نویسی پرداخت و در شعبان ۶۳۰ هـ ق. برابر ۱۲۳۳ م. در هفتاد و پنج سالگی دار دنیا را وداع گفت و بیکر او در موصل به خاک سپرده شد.

### تالیفات ابن اثیر:

- ۱- اللباب فی تهذیب الانساب: این کتاب بازنویسی استادانه‌ای از کتاب ارزشمند «الانساب» نوشته عبدالکریم سماعی. ابن اثیر کوشیده است آرای سماعی را حتی در مواردی که دچار لغزش شده است، به دقت بیان کند. با وجود این در برخی موارد نوشته‌های او را پس از تأمل بسیار اصلاح کرده است.
- ۲- اسدالغابه فی معرفه النصحابه: کتابی است در علم رجال که حدود ۷۵۰۰ زندگی نامه را در بردارد. ابن اثیر محتویات کتابهای ابن مسنده، ابونعیم، ابن عبدکبر و ابوموسی را در آن جمع کرده و اشتباهات آنان را تذکر داده و مطالبی بر نوشته‌های آنان افزوده است.
- ۳- التاریخ الباهر فی دوله الاتابکیه: این کتاب شرح حال خاندان عمادالدین زنگی بن قیس الدوله آقسنقر است. ۴- الکامل فی التاریخ: به دلیل اینکه این کتاب یکی از محورهای بخش دوم مقاله می‌باشد از

۱- وفیات الاعیان، ج ۳ ص ۳۴۸-۳۵۰

رویدادها را با چند روایت شرح داده و هر روایتی نیز مانند روایت پیشین یا کمتر از آن است. از این رو، من کاملترین و جامعترین روایت‌ها را برگزیدم و نقل کردم و مطالب دیگری که در آنها نبود، بر آنها افزودم و هر مطلبی را نیز در جای خود قرار دادم.<sup>۲</sup>

### دیدگاه برخی از نویسندگان درباره کتاب «الکامل» و روش تاریخ‌نگاری او:

کتاب «الکامل» از لحاظ جامعیت بیش از همه به تاریخ طبری نزدیک است. ولی از نظر روش نگارش از آن جداست. روش ابن اثیر در این کتاب گردآوری نوشته‌های دیگران و تلفیق آرای گوناگون است. گزارشهای ابن اثیر بر طبق سالها تقسیم بندی شده است و از این دیدگاه ارزش ویژه‌ای در تاریخ جهان دارد. از بخش مربوط به هبوط آدم تا سال ۳۱۰ هـ.ق. بیشتر بر نوشته طبری متکی است ولی ابن اثیر اطلاعاتی از نوشته‌های ابن کلبی، بلاذری، مبرد و مسعودی را نیز بر آن افزوده است ولیکن نویسنده در بیشتر موارد منابع خود را یاد نمی‌کند. کتاب الکامل اخبار مفصلی درباره سامانیان تا مرگ ابوعلی چغانی دارد که احتمالاً برگرفته از کتاب گمشده «التاریخ فی اخبار و لاه خراسان» نوشته ابوعلی سلامی است. اهمیت اساسی الکامل بویژه در مورد رویدادهایی است که

تاریخ شرقی از تاریخ غربی خالی است و تاریخ غربی، اخبار شرق را نادیده گرفته است. چون کار را چنین دیدم، تألیف تاریخی را آغاز کردم که تمام اخبار فرمانروایان خاور و باختر و سرزمین‌های میان این دو را دارا باشد.<sup>۱</sup> او هنگامی که کارهای مورخان گذشته را بررسی کرد، پی برد که وقتی به نقل واقعه‌ای می‌پردازند، ضمن بیان وقایع هر ماه، فقط قسمتی از آن را که همان ماه اتفاق افتاده شرح می‌دهند، بدین ترتیب هر واقعه‌ای قطعه قطعه می‌گردد و مطالعه آن نتیجه‌ای به دست نمی‌دهد مگر پس از دقت و ژرف نگری. بدین جهت هر پیشامدی را در یک جا جمع کرده و یادآور شده که هر قسمت آن در کدام ماه یا در کدام سال رخ داده است. کتاب «الکامل فی التاریخ» مانند سایر تواریخ قدیمی، رشته حوادث و اخبار را برحسب تاریخ وقوع آنها تنظیم نموده و مولف آن اعتراف می‌کند که آنها را از تاریخ طبری نقل کرده است. ایشان در مقدمه کتاب خویش می‌نویسد: «کار خود را از روی تاریخ کبیر امام ابو جعفر طبری آغاز کردم و این کتاب نزد عموم یک کتاب اساسی شمرده می‌شود و همه، هنگامی که در مسأله‌ای اختلاف پیدا می‌کنند، برای روشن شدن موضوع به آن رجوع می‌نمایند. بنابراین تمام مطالبی را که در آن بود، گرفته و هیچ یک را فروگذار نکردم. چیزی که هست طبری بیشتر

تاریخ این است که مولف آن در غالب حوادث مستقیماً حضور داشته و بدون واسطه مطلب را نوشته و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.<sup>۳</sup>

رسول جعفریان درباره او می‌نویسد: «ابن اثیر در تلخیص طبری شیوه جالبی را در پیش گرفت و در اقتباس از آثار دیگر اسلوبی را به کار برده که سبب شده تاریخ او پس از تاریخ طبری، شهرت فراوان پیدا کند. تاریخ طبری در هر بخش آمیخته‌ای است از روایات مختلف که معرکه آراء است. مطالعه این کتاب برای پژوهشگران قابل استفاده است، اما برای کسانی که به کتابی یک دست و عمومی نیازمند هستند، چندان مفید نیست. ابن اثیر این مشکل را با تألیف سترگ خود حل کرد و به همین دلیل کتاب او شهرت یافت».<sup>۴</sup>

### روش تاریخ نگاری ابن اثیر و وجه تمایز الکامل و طبری:

در این قسمت، مطلب به گونه‌ای بیان می‌شود که هم روش تاریخ نگاری ابن اثیر در کتاب الکامل روشن شود و هم تفاوت تاریخ نگاری ایشان با تاریخ طبری آشکار گردد لذا برای روشن شدن این دو موضوع توجه خوانندگان را به نکات زیر جلب می‌کنم:

۱- یکی از مهمترین تفاوت‌های طبری و الکامل در روش تاریخ نگاری آنهاست.

ابن اثیر، برخلاف طبری به گونه‌ای گسترده‌تر از آنها یاد کرده است و چون وی در دوره استیلای مغولان می‌زیست، کتاب او از منابع مهم تاریخ مغول به شمار می‌آید. ابن اثیر با دید انتقادی که در آن عصر شگفت می‌نمود برای تألیف اثر بزرگ خویش از هر جا مآخذی گرد آورده و در نقد مآخذی که بر آنها دسترسی داشته، ذوق انتقادی از خود نشان داده است.

«رابرت فلینت» در تاریخ فلسفه، او را در عداد مدونان تاریخ آورده و درباره روش کار او گفته است که: ابن اثیر، تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه کوشش کرده مقدمات آن وقایع را دریابد و نتایج آن را آشکار کند.<sup>۱</sup> حسن شمسانی استاد دانشگاه لبنان در کتاب «عزالدين ابن الاثير الجزري» درباره او می‌نویسد: «ابن اثیر در دو زمینه خوب درخشیده است، یکی در حدیث و دیگری در تاریخ و در زمینه تاریخ قویتر از حدیث می‌باشد. و دلیل این مطلب آثاری است که ابن اثیر از خود در موضوع تاریخ به جای گذاشته و مورد عنایت مورخین می‌باشد».<sup>۲</sup> ابن حجر عسقلانی درباره الکامل می‌نویسد: «تاریخ الکامل نسبت به سایر تاریخها بهترین تاریخ است و حوادث و وقایع تاریخی را به صورت روشن و آشکار بیان می‌کند و یکی از امتیازات این تاریخ

<sup>۱</sup> - Flint, Robert: History of the philosophy of History, 86.

به نقل از علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۲ ص ۱۴۱.

<sup>۲</sup> - ص ۵۲

<sup>۳</sup> - الاعلان بالتوخیخ ص ۱۴۶.

<sup>۴</sup> - جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام ص ۲۰۳.

درباره یک موضوع را علیرغم اختلاف در طرق و اسانید آن به شکل یک روایت منسجم درآورده است.

مثلاً روایات متعدد طبری درباره فرمانروایی عیدالله بن زیاد بر خراسان و جنگ با ترکان و تصرف سنف و بیکند و بخارا را در یک روایت پیوسته و منسجم در چند سطر بیان کرده است.<sup>۱</sup>

۲- یکی دیگر از تفاوت‌های «طبری» و «الکامل» در شیوه‌های تدوین و تنظیم در تاریخ نگاری است. روش تاریخ طبری شیوه سالشماری است، در شیوه سالشماری، مورخ حوادث را برحسب سنوات تنظیم می‌کند. اتخاذ این روش مانع از رعایت بعضی از دیگر شیوه‌های تدوین تاریخ نیست. این شیوه یکی از بارزترین شکل‌های تدوین و عرضه مواد تاریخی در تاریخ نگاری عصر اسلامی بوده، زیرا لااقل متضمن و القاء کننده پیوند تاریخی میان حوادث است، یعنی طبیعت حدوث حوادث را که در مسیر توالی زمان به وقوع می‌پیوندد نشان می‌دهد با این همه چنین شیوه‌ای موجب می‌شود روایات یک حادثه یکپارچگی خود را از دست بدهد و اجزای آن در سنوات و ماه‌های مختلف و دور از هم ذکر گردد و رشته اطلاعات گسیخته شود و فایده آن از میان برود.

همچنین شیوه تنظیم در تاریخ نگاری «الکامل» نیز سالشمار می‌باشد، لیکن ابن اثیر

یکی از مهمترین روش‌های تاریخ نگاری اسلامی، ذکر روایات مختلف درباره حوادث و اخبار تاریخی با درج سلسله اسناد به طور کامل یا ناقص یا بدون آن است و بدین سبب می‌توان آن را روش روایی در تاریخ نگاری خواند. محمد بن جریر طبری برجسته‌ترین نماینده روش تاریخ نگاری روایی است که در تاریخ، بینش حدیثی دارد و از نقادی روایات خودداری می‌کند. ارزش روایات نزد طبری وابسته به اسانید آن بوده است. به نظر او هر چه سند به زمان وقوع حادثه نزدیکتر می‌بود، روایات اعتبار بیشتری می‌داشت. بنسب این در روش روایی طبری، داوری درباره خود روایات جایی نداشت به همین سبب او روایات مختلف و گاه متباین را درباره یک واقعه گردآورده که خود موجب وثاقت این مورخ شده است.

اما روش ابن اثیر یک روش ترکیبی است. مراد از روش ترکیبی در تاریخ نگاری آن است که مورخ به جای ذکر روایات مختلف و اسانید یک واقعه، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن روایات گوناگون، واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح دهد. یکی از این مورخین «ابن اثیر» در «الکامل» می‌باشد. خودش در مقدمه گفته که چون در باره هر حادثه‌ای روایات متعدد آمده، او کاملترین روایات را برگزیده و یا همه روایات مختلف

۱ - الکامل، ج ۳، صص ۴۹۸-۴۹۹.

آسمان و زمین غوطه می‌خورند و ... این است علت خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی. بعد که فرشتگان آنها را از آب بیرون می‌کشند، چهره آنها دوباره روشن می‌شود و خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی برطرف می‌گردد...<sup>۳</sup> و از این گونه سخنان دیگری که نیاز به ذکرش نیست و من از نقل آن خودداری کردم، زیرا با عقل منافات داشت. اگر این حدیث درست بود، حتماً ما هم آن را نقل می‌کردیم و از اسناد آن نیز نام می‌بردیم ولی این حدیث نادرست است و نباید درباره کار بزرگی مانند: گردش ماه و خورشید در کتابها با چنین روایت ضعیفی سخن گفته شود.<sup>۴</sup>

۴- از ویژگیهای «الکامل» ابن اثیر این است که در پایان وقایع هر سال یا هر فصل از کتاب، نامها را با حرکات یا اعراب ضبط می‌کند و بدین کار از آن جهت مقید است که هیچگونه اشتباه یا ابهامی در تلفظ آنها پیش نیاید. چنانکه وقتی فتح شهر یا ناحیه‌ای را بیان می‌کند نام آنجا را شرح می‌دهد و می‌گوید که چرا آنجا به این نام نامیده شده است.

۵- ابن اثیر اگر چه در نوشتن هفت مجلد اول کتاب خود، مطالب ابو جعفر طبری را مبنای کار خود قرار داده است، لیکن این امر مانع از آن نیست که از منابع دیگری مانند: ابن کلبی، میرد، بلاذری و مسعودی استفاده نکند و آنچه را که طبری

آن نقیصه‌ای که در شیوه سالشمار است آن را برطرف کرده است و برای احتراز این نقیصه و قیامی را که طی سالها و ماههای پراکنده اتفاق افتاده، در جای خود، یعنی، ذیل «زمان» مربوط به خود ذکر کرده، و در جای دیگر نیز به مناسبت مقام، تصویری کلی از آن عرضه داشته تا انسجام گزارش از میان نرود.<sup>۱</sup>

۳- یکی دیگر از تفاوتهای «طبری» و «الکامل» این است که در طبری خبری از نقد و بررسی حوادث تاریخی نیست؛ لیکن این اثر حوادثی را که نقل می‌کند، به نقد و بررسی آن می‌پردازد و هر حادثه‌ای را که درست نمی‌داند، نقل نمی‌کند. مطلبی را که موافق عقل نمی‌بیند از نقلش خودداری می‌ورزد.<sup>۲</sup> چنانکه درباره آنچه طبری از آفرینش خورشید و ماه و گردش آن دو روایت کرده می‌گوید: ابو جعفر در این جا یک حدیث طولانی چند ورقی از ابن عباس آورده که او نیز از پیامبر (ص) درباره آفرینش خورشید و ماه و گردش آنها روایت کرده، که این دو سوار بر دو گردونه هستند و هر دو گردونه‌ای سیصد و شصت دسته دارد و به شماره این دسته‌ها، فرشتگانی هستند که هر کدام دسته‌ای را گرفته‌اند و می‌کشند. این دو، یعنی خورشید و ماه از گردونه می‌افتد و در دریا سبایی که میان

۱- مقدمه الکامل، ج ۱ ص ۹.

۲- در این زمینه مراجعه کنید به کتابی تحت عنوان ابن الاثیر، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ و عزالدین ابن الاثیر الجزری ص ۶۸.

۳- تاریخ طبری ج ۱ ص ۵۲.  
۴- الکامل، ج ۱، ص ۲۲.

- ۴- تاریخ الطبری لابی جعفر بن جریر الطبری، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ هـ. ق.
- ۵- تهذیب الکمال، ابن حجر العسقلانی احمد بن علی، حیدرآباد، ۱۳۲۵
- ۶- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه (بدون تاریخ)
- ۷- تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، چاپخانه بهمن، ۱۴۱۲ هـ. ق. با مقدمه: عبدالله بن المحسن التركي، مترجم، حجازی، محمود فهمی.
- ۸- تاریخ العربی والمورخون، مصطفی شاکر، بیروت، دارالعلم لملايين، ۱۹۸۳ م.
- ۹- تاریخ نگاری در اسلام، سیدصادق سجادی، هادی عالم زاده، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- ۱۰- علم تاریخ در اسلام، صادق آینه‌وند، وزارت ارشاد اسلامی، آبان ۱۳۶۰.
- ۱۱- تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین، یعقوب آژند، نشر گسترده ۱۳۶۱ ش.
- ۱۲- جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۹۲ هـ. ق.
- ۱۳- جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۴- دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۵- ریحانه الادب، محمدعلی مدرس، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۶- فلسفه تاریخ ابن خلدون، مترجم: مجید مسعودی.
- ۱۷- الوافی بالوفیات، الصفدی، بیروت، جمعیه المستشرقین الالمانيه، چاپخانه المتوسط ق. ۱۴۱۳

فرو گذشته، از این منابع نگیرد مانند: رویدادهای روزگار عرب پیش از اسلام، پیشامدهایی میان قیس و تغلب در نخستین سده هجری، جنگ تازیان در سند و غیره، کیفیت فتح مسلمین ساحل شام، بعلبک، طرابلس، بیروت و صیدا و ...

۶- ابن اثیر مورخی است که در تحقیق و اثبات حقیقت آنچه نقل می کند سخت گیر است و گاهی منابعی را که مورد استفاده قرار می دهد، بی پرده به باد انتقاد می گیرد. از طبری، شهرستانی و علماء و مورخان دیگر اشکالات بجایی کرده است. از باب مثال، انتقادی که از شهرستانی کرده، چنین است: از عجایب این شهرستانی، مؤلف کتاب «نهایه الاقدام فی الاصول» و نویسنده کتاب «الملل و النحل» در بیان مذاهب و آراء قدیم و جدید، نوشته است که: نسطور «اسقف معروف قسطنطنیه» در روزگار مأمون برخاسته است، این سخن را از پیش خود گفته و من کسی را نمی شناسم که در این موضوع با او موافق باشد.

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱- الاعلان بالتویخ لمن ذم التاریخ، محمد بن عبدالرحمن السخاوی، بغداد، چاپخانه مطبعه العانی، ۱۳۸۲ هـ. ق.
- ۲- ابن الأثیر، فیصل السامر، منشورات وزاره الثقافه والاعلام، (بدون تاریخ)
- ۳- بحوث ندوه انباء الأثیر، مجموع نویسندگان، موصل، ۱۹۸۳ م.



- ۱۸- علم التاریخ عند المسلمین، روزنتال، فرانتر، بغداد، مکتبه المثنی ۱۹۶۳ م. مترجم. العلی، صالح احمد
- ۱۹- علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، صادق آئینه‌وند، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۷۷.
- ۲۰- علم التاریخ، هر نشو، ترجمه عبدالحمید العبادی
- ۲۱- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، تحقیق: دکتر عمر عبداللام تدمری، درالکتاب العربی ۱۴۱۷ هـ ق.
- ۲۲- المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، محمدبن الجوزی، تحقیق: محمدبن عبدالقاسم در عطا و مصطفی عبدالقادر عطا.
- ۲۳- موارد تاریخ الطبری، نویسنده: جواد علی.
- ۲۴- معجم البلدان، یاقوت الحموی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ هـ ق.
- ۲۵- معجم الادباء، یاقوت الحموی، بیروت، دارالفکر.
- ۲۶- منابع تاریخ اسلام، رسول جعفریان، قم، چاپ صدر، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۷- نشأه علم التاریخ عند العرب، دکتر عبدالعزیز الدوری.
- ۲۸- وفيات الاعیان، احمدبن محمد خلکان، بیروت، دارصادر، محقق: احسان عباس.
- ۲۹- یادنامه طبری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.